

در دنیای امروز، از هر فرهنگ و قوم و ملتی که باشیم، و تقریباً میتوان گفت از هر قشری از جامعه، ناگاه از بدو تولد گوش ما با «موسیقی» پیوند میخورد. از لالایی‌هایی که مادرها برای فرزند میخوانند، آوازهای کودکانه برای یادگیری اجسام، رنگ‌ها، تبلیغات تلویزیون، برنامه‌های رادیویی؛ همه و همه این شرایط را برای ما فراهم میکند تا با زندگی ما با موسیقی پیوند خورده باشد. حتی اگر با موسیقی غریبه باشیم یا صرفاً یک شنونده که فقط در خلوت خود موسیقی گوش میکنیم، یا در مهمانی برای شادی با آن همگام میشویم.

اکنون که شما این مطلب را مطالعه میکنید، اینطور میتوان نتیجه گرفت که قصد دارید با موسیقی، بیشتر از آنچه که بقیه انسان‌ها به آن توجه دارند، آشنا شوید و قدمی نو در یادگیری این مهارت و هنر بردارید. پس بیاید با یک سوال نسبتاً ساده اما اساسی و بنیادین شروع کنیم:

موسیقی چیست؟

برای پاسخ به این سوال میتوان چند صد هزار مقاله و چند کتاب قطور نوشت و آن را بررسی کرد اما ما با نظریه‌های زیباشناسی و فلسفی اکنون سر و کار نداریم. حتی گاهی برای خود موزیسین‌ها هم این سوال چالش برانگیز است؛ پس یک جواب ساده را برای شروع در نظر میگیریم و مبحث خود را آغاز میکنیم.

همانطور که اگر برادر یا خواهر کوچکتر ما از روی کنجکاوی از ما بپرسد که "ماشین چیست؟" و ما برایش شروع به توصیف اینکه این ماشین چه ویژگی‌های ظاهری دارد، چه اجزایی دارد و در نهایت چه استفاده‌هایی ممکن است داشته باشد میکنیم، میتوانیم به پاسخ اینکه «موسیقی چیست؟» از این روش بهره ببریم و ببینیم که موسیقی در ساده‌ترین شکل از چه چیزهایی تشکیل شده است!

برای توصیف عناصر تشکیل دهنده موسیقی، اعم از چیزهایی که مطمئناً اکنون در ذهن شماست، به واژه‌هایی همچون: نت‌ها، ریتم، رنگ و احساس؛ و اگر کمی بیشتر آشنا باشید احتمالاً با کلماتی چون ملودی، هارمونی، آکورد‌ها و پیوند‌های آن، بر میخوریم. اما از ابتدای این مبحث متذکر شدیم که برای شروع، به ساده‌ترین شکل به این مسئله بنگریم.

در ساده‌ترین آن‌ها میتوان گفت که موسیقی، صوت و عدم صوت، سکوت، است؛ اما پرسش‌های بعدی که ذهن ما را درگیر میکند این است که دقیقاً صوت چیست؟ و آیا تمامی صداها موسیقی هستند؟

از مرتعش شدن هر جسمی، صوت بوجود می‌آید و باید بگوییم که هر گردی، گردو نیست و هر صدایی موسیقی نیست! صداها یا موسیقایی هستند، یا غیر موسیقایی.

صدا‌های موسیقایی، صدا‌هایی هستند که قابل کنترل و اندازه‌گیری بوده و اصطلاحاً هنجار میباشند؛ مثل صدای انسان و صدای تمامی سازها.

صداهای غیر موسیقایی، صداهایی هستند که غیر قابل کنترل و اندازه گیری بوده و ناهنجارند. مثل ترمز ناگهانی ماشین. حالا که متوجه شدیم صدای موسیقایی چیست، پس به مرحله بعد قدم میگذاریم؛ یعنی با ویژگی های صدای موسیقی آشنا شویم:

تمامی شما با این ویژگی ها آشنا هستید، تنها نیاز به کمی دقت و گوشزد دارد تا متوجه آنها شوید. این ویژگی های عبارت هستند از:

1. شدت
2. کشش
3. رنگ
4. فرکانس

برای شما هر کدام از این ویژگی ها را شرح میدهم:

شدت: قوت و ضعف صدا را شدت صوت گویند که توسط علائم اختصاصی در نمایش داده میشود (جلوتر با این علائم آشنا میشویم)

کشش: مدت زمان اجرای هر صوت را کشش گویند که در موسیقی برای ارزش زمان هر صدا هم اشکالی در نظر گرفته شده است.

رنگ: مشخص کننده ساز یا وسیله ای است که صوت از آن حاصل میشود.

فرکانس: زیر و بمی صدا است که در علم صوت به آن فرکانس گویند.

اکنون که با ویژگی های صوت آشنا شدیم، بد نیست این نکته را متذکر شویم که در صداهای موسیقایی تغییراتی که روی هر یک از سه ویژگی اول انجام شود، تاثیری بر روی زیر و بمی یا فرکانس ندارد اما در صداهای غیر موسیقایی تغییرات روی ویژگی صوت، روی فرکانس نیست موثر است؛ برای مثال میتوانیم از ترمز ماشین دوباره نام ببریم که اگر فرکانس آن را بر حسب هرتز اندازه گیری کنیم، هنگامی که شدت آن بیشتر است، فرکانسی متفاوت دارد با زمانی که شدت آن کمتر است.

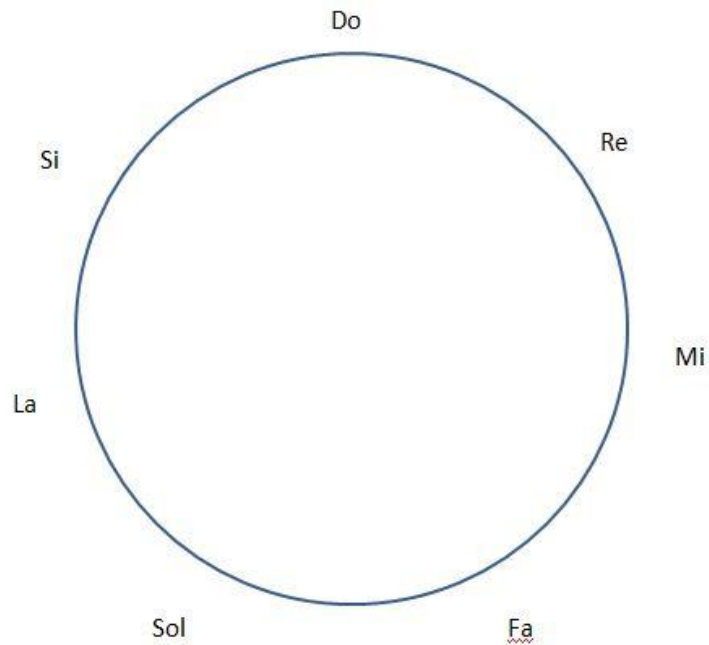
الآن فرصت خوبی است تا با هم با الفبای موسیقی، یا همان «نت» آشنا شویم:

به حروف هایی که توسط آنها جمله ها و نغمه های موسیقی را خوانده، یا مینویسند، نت میگویند که این نت ها عبارت هستند از: دو - ر - می - فا - سل - لا - سی

شاید قابل ذکر باشد که به این سیستم، سیستم هجایی گفته میشود. ما سیستم دیگری برای نام گذاری نت ها داریم که به آن سیستم الفبایی گویند و به این ترتیب نوشته می شوند (از دو تا سی، از چپ خوانده شوند)

C D E F G A B

در این توالی هفت نت که به صورت پشت سر هم می آیند و در جهت زیر شدن صدا هستند، به طوری که به نت هشتم (همان نت اول) برسیم، اکتاو گویند. با این تفاوت که اختلاف آن دو برای شدن فرکانس است.

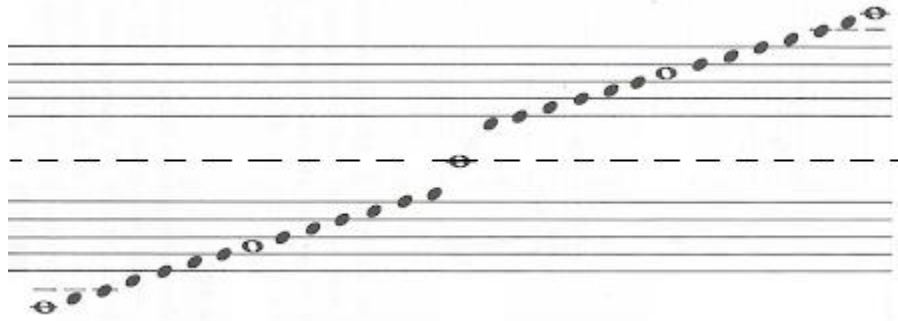


در موسیقی ما هفت نت داریم که هر کدام دارای هفت صدای مختلف می باشند.

حال برای آنکه ما تفاوت این صدا ها را به صورت بصری تشخیص داده و با استفاده از ساز خود، بتوانیم آنها را اجرا کنیم، باید با ابزاری دیگر آشنا شویم که به آن «حامل» گویند.

حامل: خطوطی هستند که نت ها و علائم موسیقی را میتوان رو و یا بین آنها نوشت. تعداد این خطوط در اصل 11 خط بوده که به دو تا پنج خط و یک خط وسط تقسیم شده است که خط وسط به طور فرضی بکار میرود.

نت ها را روی حامل از چپ به راست خوانده و مینویسند. جای نت ها هرچه به طرف بالا رود، صدای آنها زیر تر و هر چه به طرف پائین رود، صدای آنها بم تر میشود.



برای اینکه ما متوجه شویم، بر روی حامل، هر نتی که جای گذاری شده چه نامی دارد و توالی نت ها از کجا آغاز میشود، نیازمند کلیدی هستیم تا راهنمای ما باشد. این کلید ها در ابتدای هر خطی که قرار بگیرد، آن خط را همانم خود ساخته و سایر نقاط را طبق ترتیب زیر و بمی نت ها نامگذاری میکند. ما در موسیقی سه کلید داریم:

کلید سل: که روی خط دوم پنج خط بالا قرار میگیرد.



کلید دو: که روی خط اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم خط وسط قرار میگیرد.



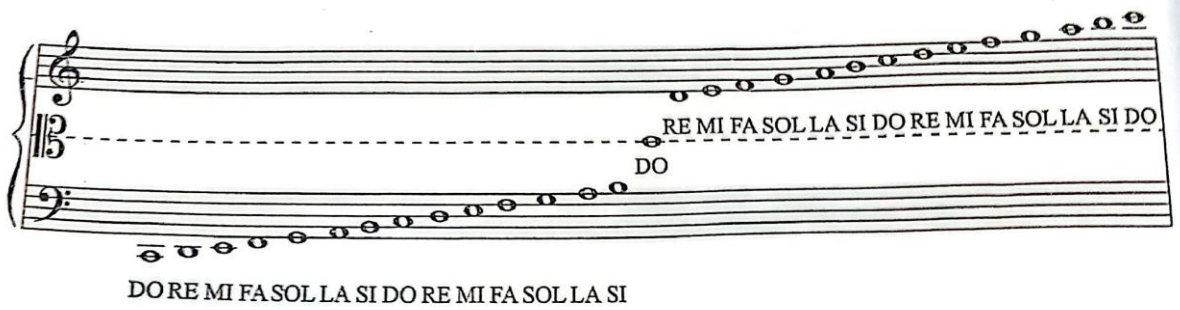
کلید فا: که روی خط سوم و چهارم پنج خط پائین قرار میگیرد.



نکته: برای شمارش خط ها، از پائین شروع کنید!



در نتیجه جای نت ها بر روی یازده خط به شکل زیر می باشد:



برای یادگیری بهتر نت ها بر روی حامل به شکل زیر عمل میکنیم:

نت های کلید سل:

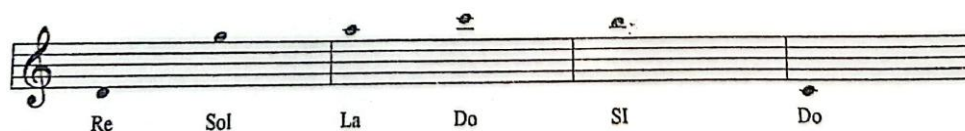
نت های روی خطوط: می، سل، سی، ر، فا



نت های بین خطوط: فا، لا، دو، می



نت های اطراف حامل:



نت های کلید فا:

نت های روی خطوط: سل، سی، ر، فا، لا



نت های بین خطوط: لا، دو، می، سل



نت های اطراف حامل:



تعریف کشش (که قبلا اشاره شد)

مدت زمان اجرای هر نت را کشش نت می گویند. کشش را در موسیقی توسط اشکال موسیقی نشان میدهند. اشکال موسیقی را به 2 شکل نت و سکوت می توان نشان داد. اشکال نت روی هر نقطه از حامل که قرار بگیرد صدای آن نت را به اندازه زمان خود قابل اجرا میسازد، و شکل سکوت بیانگر سکوتی به اندازه زمان نت همشکل خودش میباشد.

تعریف نت واحد:

بزرگترین شکل موسیقی از نظر زمان، شکل گرد است که آن را نت واحد نامیده اند و تقسیمات زمان آن، سایر اشکال موسیقی را به ما نشان میدهد.

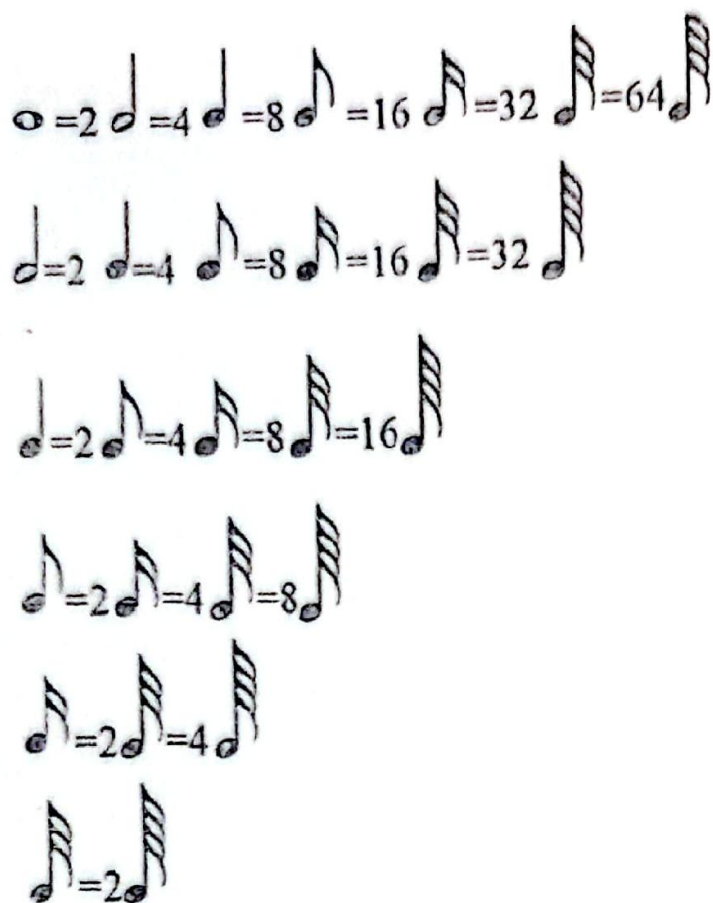
تعریف ضرب:

واحد سنجش زمان و تقسیمات زمان در موسیقی را ضرب نامیده که حالی شبیه به ثانیه داشته اما برابر ثانیه نمیشد!!) فرق ضرب با ثانیه این است که تعداد ثانیه در دقیقه برای 60 بوده ولی تعداد ضرب در دقیقه متغیر میباشد.

اشکال موسیقی:

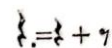
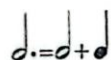
کشش (بطور فرضی)	نسبت به نت واحد (گرد)	شکل نت سکوت	اسم
۴ ضرب	۱		۱- گرد
" ۲	۱/۲		۲- سفید
" ۱	۱/۴		۳- سیاه
" ۱/۲	۱/۸		۴- چنگ
" ۱/۴	۱/۱۶		۵- دو لاچنگ
" ۱/۸	۱/۳۲		۶- سه لاچنگ
" ۱/۱۶	۱/۶۴		۷- چهار لاچنگ

در نتیجه باید نسبت نت ها را به یکدیگر طبق جدول زیر خوب بشناسیم:



تعریف نقطه:

هرگاه کنار نت یا سکوتی، نقطه ای قرار گیرد، به اندازه نصف زمان شکل اصلی، به خود آن اضافه میکند که به این ترتیب طول زمان نت یا شکل نقطه دار، قابل تقسیم به مضربی از سه (3) میشود.

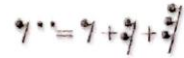


۳ = ۲ + ۱ تا سیاه

۳ = ۲ + ۱ تا سکوت چنگ

تعریف دو نقطه:

هرگاه کنار نت یا سکوتی، دو نقطه قرار گیرد نقطه اول، نصف (1/2) زمان شکل اصلی و نقطه دوم (1/4) زمان شکل اصلی را به خود آن اضافه میکند که بدین ترتیب باید بدانیم زمان شکل دو نقطه دار، قابل تقسیم به مضربی از هفت (7) میباشد.

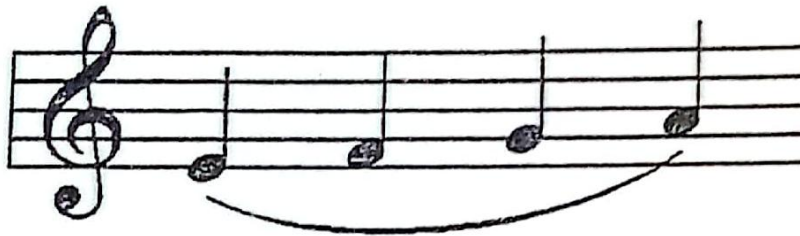


۷=۴+۲+۱ تا چنگ

۷=۴+۲+۱ تا سکوت سه لاچنگ

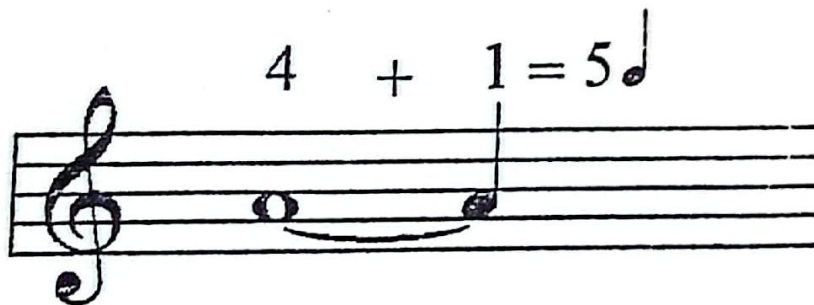
تعریف خط اتصال:

خطی است که بین دو یا چند نت کشیده شده و کشش صوتی آنها را به هم متصل کرده و نت هارا باید یک نفس اجرا کنیم.



تعریف خط اتحاد:

خطی است که بین دو نت همنام و هم صدا کشیده شده و کشش زمانی آنها را با هم جمع میکند.



تعریف ریتم:

هرگاه مقطع زمانی مشخصی با داشتن نقاط قوی و ضعیف به طور پشت سر هم و مکرر تکرار شود عنصر منظم و معنی داری به نام ریتم حاصل میشود.